



روزنامه ورزشی

مهر ۹۹ - شماره هفتم

فوتبال پشت سیم های خاردار

GO BACK TO

YOUR COUNTRIES!



- ◆ مسیر سرخ
- ◆ NBA دیوانه
- ◆ بدن سازی یا آمادگی جسمانی؟
- ◆ سیتی؛ آرامش قبل از طوفان یا بعد از طوفان؟
- ◆ بازگشت تدریجی یک رؤیا
- ◆ پشت پرده یک قانون تاریخی
- ◆ فوتبال پشت سیم‌های خاردار
- ◆ یک بهمن والیبالی!
- ◆ ورزش از دریچه سینما

مے توان دور بود، اما ہم چنان نزدیک بود!

کمی دیگر، به سال گرد حضور کرونا در جهان و یکه تازی آن خواهیم رسید و در این مدت، سبک زندگی و عادت‌های زیادی را تغییر داده یا حتی حذف کرده ایم. در این میان، ورزش هم تافته جدابافته ای نبوده و دست خوش تغییرات بسیاری در طول این مدت شده؛ از تعطیلی و تعویق مسابقات و بازی‌ها گرفته تا شروعی دوباره، اما جدید. غیبت نسبتاً طولانی مدت ما هم به همین دلیل بود. ولی با شروع و از سرگیری دوباره ورزش، باز عزم نوشتن و گزارش و مصاحبه را جزم کردیم. در این مدت، اتفاقات ورزشی بسیاری رخ داد که اگر می‌خواستیم حتی فقط در مورد پرحاشیه‌ترین یا جذاب‌ترین رویدادها و خبرها بنویسیم، مثنوی هفتاد منی می‌شد! اما سعی کردیم، مثل همیشه، مطالب روز و جدید را به رشته تحریر درآورده و برایتان گزارش کنیم.

در این میان می‌خواهیم مبحث جدیدی را با شما آغاز کنیم؛ «برندگان و بازندگان کرونا».

نمی‌دانیم زمان بسته شدن این مبحث، در کدام شماره خواهد بود، ولی برای اولین بار، آرزوی نوشتن داریم! (البته فقط در این زمینه) و امیدواریم همگی جزئی از برندگان باشیم. در بخش پرطرفدار فوتبال، به تیم‌های پرسپولیس یکه تاز لیگ داخلی، میلان پوست انداخته بعد از کرونا و منچستر سیتی و حواشی محرومیتش پرداخته ایم. واحد ورزش و شریف، به گزارش عمل کرد درخشان دانشجویان شریف در مسابقات والیبال بین دانشگاهی اختصاص داده شده و در بسکتکده، بررسی دور اول مسابقات پلی آف NBA، در فصل قهرمانی لس آنجلس لیکرز، انجام شده است. خبر پرجنجال منع ورود خارجی‌ها به لیگ برتر فوتبال، موضوع اصلی پرونده ویژه و اهمیت تمرینات آمادگی جسمانی و بدن سازی، مصاحبه انجام شده با دکتر «رفیعی»، توسط واحد گیشه المپیک است. بخش جذاب و جدید دیگری هم داریم که به نوعی در قالب یک یادداشت، به بررسی ارتباط میان سینما و ورزش می‌پردازد و در شماره بعدی نیز ادامه خواهد داشت.

امیدواریم مطالب سودمندی را در اختیارتان قرار داده باشیم و از خواندن این شماره نیز لذت ببرید.

مراقب سلامتی خودمان، عزیزان مان و دیگران باشیم؛ یعنی همان «ماسک بزنیم».



حسین سیار
مهندسی شیمی ۹۷

مسیر سرخ

مروری بر عملکرد درخشان پرسپولیس در فصول اخیر

در کنار زمین. همه چیز مهیا بود. پرسپولیس دیگر راهی جز قهرمانی نداشت. آن‌ها بدون توقف از هر ایستگاه عبور کردند و سرانجام، انتظار نه‌ساله هواداران پرسپولیس پایان یافت ولی این پایان کار نبود؛ خورشید فوتبال ایران تازه طلوع کرده‌بود.

شلیک دوم: فصل جدید، مشکلات جدید!

همیشه بازیکنان تیم قهرمان، با پیشنهادهای خوبی از تیم‌های خارجی روبه‌رو می‌شوند. پرسپولیس هم از این قاعده مستثنی نبود. ماجرای طارمی و رضائیان، بحث جدایی بازیکنان و مشکلات مالی، هواداران را خشمگین کرده‌بود. با شروع فصل اما برانکوی حالا مورد اعتماد، اسبش را برای قهرمانی دوم زین کرده‌بود. مشکلات بودند، اما برانکو هم بود. هماهنگی و انسجام روز به روز افزایش یافت. طارمی و رضائیان هم برگشتند. باز هم همه چیز مهیا بود؛ باز هم بهانه‌ای نبود. کم‌کم تشویق ایسلندی پس از پیروزی به تصویری تکراری اما جذاب مبدل شد. در پایان فصل، یک چیز دیگر هم به ایسلندی‌ها اضافه‌شد: جام دوم!

داشت. لابه‌لای تلخی این قهرمان نشدن، روزنه‌های یک طلوع جدید دیده‌می‌شد. طلوعی که شاید یک دهه بر آسمان ایران بدرخشد. بلکه حالا دیگر همه منتظر قهرمانی دوباره قرمزترین تیم ایران، پرسپولیس تهران بودند.

در روزهایی که به دلیل شیوع کرونا هواداران از حضور در ورزشگاه‌ها محروم بودند، پرسپولیس بدون ترمز و فقط با پدال گاز به مسیر خودش ادامه داد.

شلیک اول: استارت!

فصل جدید که شروع شد، آن‌ها بی‌نقص‌تر و بی‌رحم‌تر از همیشه بودند. بازیکنان باکیفیت جذب شده‌بودند و شاکله اصلی تیم حفظ شده‌بود. بیرانوند در دروازه، سیدجلال در خط دفاع، هافبک‌های خلاق و مؤثر در کمر بند میانی، طارمی زهردار در خط آتش و مهم‌تر از همه، برانکوی آرام و باوقار

تاریک‌ترین زمان شب درست قبل از طلوع خورشید است. برای قرمزهای پایتخت هم همه چیز در تاریک‌ترین نقطه ممکن شروع می‌شد؛ از نقطه صفر. ضعف مدیریت، تغییر مداوم بازیکنان در پایان هر فصل و دوری نه‌ساله از جام چیزی نبود که طرفداران پرسپولیس به آن عادت داشته‌باشند. اما طلوع خورشید سرخ‌ها خیلی دور نبود. روزی که مربی کروات با کت توسی رنگش در فرودگاه مهرآباد گفت که می‌داند به کجا آمده و چه هدفی دارد، کورسوی امیدی در دل هواداران سرخ ظاهر شد. همه چیز برای پرسپولیس برانکو از اول خوب پیش رفت. پرسپولیس فصل را با با لغزش شروع کرد، از دست دادن کاپیتان آخرین تیری بود که بر پیکر خسته هواداران می‌شد زد. قلب همه شکسته‌بود. کاپیتان نبود ولی امید آخرین سلاحی بود که می‌شد در این پرسپولیس دید. بردهای پیاپی همه را امیدوار کرده‌بود. از دست دادن قهرمانی به‌خاطر گل زده کمتر را هیچ‌کس برنمی‌تافت اما یک‌صد هزار نفر، یک صدا، تیم محبوب خودشان را تشویق کردند. تیمی که زمین خورد ولی بلند شد، لغزید ولی تلاش کرد. تیمی که می‌شد دوستش



شلیک سوم: پنجره‌های بسته!

قهرمان شدن سخت، قهرمان ماندن سخت‌تر! پس از پایان فصل دوم، خبر بسته شدن پنجره‌های نقل و انتقالاتی، هواداران را نگران کرد. از طرفی شمار زیادی از بازیکنان کلیدی به بهانه‌ها و دلایل مختلف تیم را ترک کردند. مشکلات مالی و حقوقی هم کار را به تجمع و اعتصاب در تمرین کشاند. حالا پرسپولیس تنها تر از همیشه بود. در هر بازی یازده بازیکن ثابت به زمین می‌رفتند و با یک نتیجه ثابت خارج می‌شدند: پیروزی!

در پایان فصل، پرسپولیس و جام قهرمانی باز هم به قرار همیشگی خود رسیدند. این بار زودتر و مقتدرانه‌تر از همیشه!

هفته‌ها که گذشت، کار برای پرسپولیس سخت‌تر شد. بازیکنان جوان و کم‌تجربه، فشردگی بازی‌ها، پنجره‌های بسته و فشار و مصدومیت گریبان پرسپولیس را گرفته بود. آن‌ها صدرنشینی را پس از مدت‌ها از دست دادند. اما باز هم برانکو ایستاد و تیم را هم با خودش سر پا نگه داشت. با اصالت‌ها به صدر برگشتند. هفته‌های آخر، فاصله امتیازات کم بود و چند تیم تا هفته‌های پایانی شانس قهرمانی داشتند.

هفته آخر در جم، پرسپولیس باز هم قهرمان شد تا دست‌نیافتنی‌تر از همیشه شود. هواداران سر از پا نمی‌شناختند. هتریک قهرمانی آن‌ها را راضی‌تر از همیشه کرده بود.

شلیک چهارم: پوکر!

ضعف مدیریتی در باشگاه به بالاترین حد خود رسید. وعده‌های دروغین و عدم پرداخت مطالبات، برانکو را از جمع سرخپوشان جدا کرد. برانکو در حالی تیم را ترک کرد که برنامه‌های فصل بعد خود را به باشگاه ارائه داده بود.

بعد از برانکو، کالدرون سگ‌ان هدایت قوی‌ترین تیم ایران را به عهده گرفت. مربی آرژانتینی کار سختی را برای تکرار قهرمانی داشت. هفته‌های آغازین، پرنوسان‌ترین روزهای پرسپولیس در سال‌های اخیر بود. تیم هنوز به تفکرات مربی جدید عادت نکرده بود و بعضاً ناهماهنگی در بازی‌های پرسپولیس موج می‌زد. کالدرون امارفته‌رفته شرایط را به سود قرمزها تغییر داد. پرسپولیس روی نوار برد قرار گرفت و در پایان نیم‌فصل، به صدر بازگشت.

باز هم مشکلات مالی و مدیریتی زهر خودش را ریخت و کالدرون هم مانند برانکو از قرمزها جدا شد. حالا نوبت به یحیی گل محمدی رسید تا میراث برانکو و کالدرون را حفظ کند. نیم‌فصل دوم برای

پرسپولیس رؤیایی ادامه یافت. بردهای متعدد و نزدیک شدن به قهرمانی!

در روزهایی که به دلیل شیوع کرونا هواداران از حضور در ورزشگاه‌ها محروم بودند، پرسپولیس بدون ترمز و فقط با پدال گاز به مسیر خودش ادامه داد. در پایان فصل، پرسپولیس و جام قهرمانی باز هم به قرار همیشگی خود رسیدند. این بار زودتر و مقتدرانه‌تر از همیشه!

حالا با شروع فصل جدید، قهرمان نشدن آن‌ها هدفی است برای سایر تیم‌ها. این چهار فصل به رؤیایی‌ترین و دراماتیک‌ترین شکل ممکن برای پرسپولیس سپری شد و خاطراتی را برای هوادارانش رقم زد که هیچ‌گاه از ذهن آن‌ها پاک نمی‌شود. فارغ از هر بحثی، این تیم، این تلاش و این استمرار قهرمانی، شایسته احترام است. حال باید دید قرمزها فصل آینده نیز به ماجراجویی خود در این مسیر سرخ ادامه می‌دهند یا بالأخره نوار قهرمانی‌های این تیم پس از چهار سال قطع می‌شود.

بی‌شک با وجود تمام مشکلات مالی و قانون عدم جذب بازیکن خارجی، نه تنها قهرمانی لیگ برتر بلکه قهرمانی آسیا و حضور در جام باشگاه‌های جهان، انتظار چهل میلیون هوادار سرخ برای فصل جدید است که زمان گسترش امپراطوری ارتش سرخ آسیا را نزدیک‌تر از همیشه می‌بینند.

هوتن
@hootanstayshfar

نیباید بیریم زیر ایکانت ایی ایف سی فیحش
بیدیم

Translate Tweet



4:23 PM · Oct 3, 2020 · Twitter for Android



علی پابلیک
@aliomoomi

دو سال پیش همچنین روزی آخرین
خوشحالی دسته جمعیمون بود که البته اونم
با کلی حسرت و افسوس تموم شد.
#ایران-پرتغال

Translate Tweet

5:26 PM · Jun 25, 2020 · Twitter for Android

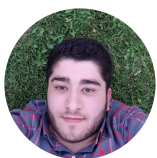
majid taherkhani
@majidtaherkhani5

بار غمی که خاطر ما خسته کرده بود
"عیسی" دمی خدا بفرستاد و بگرفت

Translate Tweet

11:12 PM · Sep 30, 2020 · Twitter for Android





علی احمدی

مهندسی کامپیوتر ۹۷

NBA دیوانه

نگاهی به بازی‌های دور اول پلی‌آف

میامی هم بازیکنان باکیفیت و آینده‌داری دارد که نشان دادند می‌توانند آینده تیم را تضمین کنند. شاید سری بعدی بازی‌ها که تقابل فیلادلفیا و بوستون بود، جذاب نبود اما پیامدهای این سری که به جاروشدن فیلادلفیا انجامید شاید حتی لیگ را تغییر دهد. قبل از پلی‌آف، فیلادلفیا وضعیت بدی نداشت. رتبه ۶ کنفرانس را داشت و تیمی آماده بود. درست قبل از شروع پلی‌آف، بن سیمنز، گارد استرالیایی تیم که رکن اساسی تیم هم بود، به‌خاطر مصدومیت کنار رفت. البته جذب آل‌هورفورد در این فصل و هریس در فصل قبل، این امید را زنده می‌کرد که تیم بتواند هم‌چنان رقابت کند ولی باز هم، نبود مربی خوب و هم‌چنین بوستون فوق‌العاده، دست جوئل امبیید را از رسیدن حتی به نیمه‌نهایی کوتاه کرد. اتفاق مهمی که افتاد، این بود که process فیلادلفیا کاملاً نابود شد. بلافاصله مربی را اخراج کردند و فصل بعد هم مطمئناً بازیکن‌های زیادی جابه‌جا می‌شوند. آینده تیم

۴ رسید. وارن از آمار ۱۹ امتیاز، ۱.۴ اسبست و ۴ ریباند با ۵۲ درصد دقت شوت، به آمار ۳۵ امتیاز، ۲.۶ اسبست و ۶.۶ ریباند با دقت شوت ۶۰ درصد در حباب رسید و پاداشش را با رسیدن به تیم اول حباب گرفت. دیمین لیلارد و دیگر هیچ. دیم هر موقع که تیم نیاز داشت به کمک تیم آمد و وقتی توسط بورلی و جرج در اینستاگرام تحقیر شد، با دو بازی ۵۱ و ۶۱ امتیازی، جواب آن‌ها را داد. وقتی برای رتبه ۸ نیاز شد مقابل گریزلیز بازی کنند با ۳۱ امتیاز بازی را برد. در بازی اول مقابل لیکرز نشان داد که اصلاً

امسال لیگ، همه چیز به خود دید. از گیم‌وینر پسر ۲۱ ساله اروپایی تا لغو بازی‌ها به‌خاطر مسائل نژادپرستی؛ از حذف بهترین تیم حباب تا بازی‌های دیوانه‌وار لیلارد. تنها چیزی که ثابت بود، هیولای لبران جیمز بود که در پلی‌آف بیدار می‌شود. هیجان در بازی‌ها به‌خاطر حضور در حباب و نبود تماشاگر آن‌قدر بالا نبود ولی کیفیت بازی‌ها مخصوصاً کیفیت بازیکن‌های کم‌تجربه، بهتر بود تا جایی که مایکل پورتر جونیور که سال‌اولی است، میانگین ۲۶ امتیاز و ۹ اسبست را آورد.

در بازی‌های رده‌بندی که ۲۲ تیم برای رسیدن به پلی‌آف (مسابقات حذفی در آخر فصل) تلاش کردند، داستان فینیکس سانز، جذاب‌ترین بود. سانز که فصل خوبی را نگذرانده بود و با ۲۶ برد و ۳۹ باخت به این مرحله رسیده بود، نشان داد که اگر بخواهد، می‌تواند. دوین بوکر که قبلاً هم نشان داده بود بازیکن پتانسیل‌داری است، به یاد کوبی فقید، در ۸ بازی درخشید و تمام



آینده سلام

دست‌وپایسته نیست و با ۳۴ امتیاز بازی را در آورد. قبل از شروع پلی‌آف هم با جایزه بهترین بازیکن حباب از او تقدیر شد.

البته ناگفته نماند که لیکرز ۴ بازی بعدی را برد و به دور بعدی رفت. تورنتو رپترز، قهرمان سال پیش که امسال ستاره خود را از دست داد، با بازی تیمی، دفاع قوی و رهبری کایل لوری توانست به رتبه ۲

بازی را بردند. جذاب‌ترین صحنه این ۸ بازی هم گیم‌وینر (شوتی که باعث برنده شدن تیم می‌شود) بوکر روی دست لند و جرج بود که منظره‌ای تمام از کوبی و شوت‌های فید او بود. با وجود تمام این تلاش‌ها، به‌خاطر ریز آمار بدتر نتوانستند حتی به بازی برای رده ۸ برسند و لیگ را در رتبه ۱۰ تمام کردند. اما بوکر نشان داد که در آینده و با هم‌تیمی‌های بهتر می‌تواند روزهای بهتری را ببیند.

تنها چیزی که ثابت بود، هیولای لبران جیمز بود که در پلی‌آف بیدار می‌شود.

تا این بازی به تنها بازی پلی‌آف تبدیل شود که دو بازیکن رقیب، هم‌زمان بیشتر از ۵۰ امتیاز می‌آورند.



Process failure

اصلاً معلوم نیست و باید منتظر ماند و دید که این تیم به کجا خواهد رسید. در بازی صدرنشین شرق با مجیک هم تنها اتفاق خاص، تعویق بازی‌ها بود. در بامداد جمعه که همه منتظر بازی میلواکی و مجیک و تمام شدن سری بودند، ناگهان خبر آمد که بازیکنان میلواکی بازی نمی‌کنند. بازیکنان مجیک هم بعد از گرم کردن،

کنفرانس برسد و در سری اول هم راحت، نتسی را جارو کند (بردن ۴-۰ تیم مقابل) که تلاش زیادی نکرد و شکست را پذیرفت. نیک نرس مربی رپترز و بهترین مربی سال هم توانایی خودش را نشان داد و ثابت کرد هنوز می‌توان بدون سوپر تیم و فقط با بسکتبال بازی کردن، یک تیم را به مراحل بالا رساند. میامی هم در سمت دیگر کنفرانس شرق با همین شرایط توانست پیسرز را جارو کند. نیمکت

بازیکن بعدی که عالی بازی کرد، تی‌جی. وارن، بازیکن ایندیانا پیسرز بود. امسال ایندیانا فصل خوبی را سپری کرد و با وجود مصدومیت اولودیپو توانست رتبه ۵ کنفرانس را تا قبل از حباب به‌دست آورد و با درخشش وارن در حباب، به رتبه





Mickey Dame

سطح هیجان بازی عالی بود و دو بازیکن تا آخر بازی، تیم‌های خود را در بازی نگه‌داشتند. مایک کانلی هم عملکرد خوبی داشت و توانست با ۴ سه‌امتیازی به تیم کمک کند. سه‌امتیازی ماری در لحظه آخر هم کمکی به تیم نکرد و در آخر با ۲ امتیاز دنور این بازی را هم واگذار کرد تا نتیجه برخلاف تمام پیش‌بینی‌ها ۳-۱ به نفع یوتا جر شود. دو بازی بعدی فقط اسم جمال ماری بود که شنیده می‌شد؛ در این دو بازی هر کاری توانست کرد تا دنور به سری برگردد و در نهایت ۳-۳ سری مساوی شد. البته در این ۶ بازی جوکر و گویر هم عملکردهای خوبی داشتند ولی چون مقابل هم بازی می‌کردند، توانستند دفاع‌های خوبی به نمایش بگذارند و امتیازهای یک‌دیگر را محدود کنند. در بازی آخر، درصد شوت‌ها فاجعه بود؛ حدوداً ۳۸ درصد برای هر تیم. جوکیچ ولی با ۳۰ امتیاز و درصد شوت ۵۰ درصد باعث شد دنور بازی را با دو امتیاز برنده شود. ۹ ترن‌آور و ۹ از ۲۲ اقدام میچل هم نشان داد که دفاع کردن او آن‌چنان هم سخت نیست.



پیش ببرد. در بازی ۵ مقابل جرج که یک‌دفعه به بازیکنی که همه انتظار دارند تبدیل شد و بهترین برد کلیپرز در تاریخ پلی‌آف را رقم زد و در بازی ۶ مقابل جنگ روانی موریس و کوای همیشه‌آماده تسلیم شد.



فینیکس درخشان

تقابل این دو تیم دوست‌داشتنی در راند اول به نظر من یکی از بدترین اتفاقات ممکن بود، چون هر دو تیم توانایی شکست تیم‌های قوی را هم داشتند. بیشتر طرفداران، شانس زیادی برای یوتا قائل نبودند و حس می‌کردند در نهایت ۶ بازی، نسخه

در این شرایط همه می‌دانستند که شوت آخر را لوکا خواهد زد ولی لوکا کنار زمین در آرام‌ترین شرایط خود بود.

جز پیچیده شود. ولی بازی اول نشان داد که با جذاب‌ترین سری بازی‌ها روبه‌رو هستیم. دان‌اوان میچل ۵۷ امتیاز آورد در مقابل ۳۶ امتیاز ماری، فایده‌ای نداشت و فقط توانست بازی را به وقت اضافه بکشد. جردن کلارکسن هم از روی نیمکت ۱۸ امتیاز آورد. بازی دوم ولی جز برگشت و با یک بازی خوب، امتیازآوری همه بازیکن‌ها، هم‌چنین دقت ۱۰ از ۱۴ میچل و ۲۶ امتیاز کلارکسن از نیمکت توانست سری را برابر کند. بازی سوم، شاهد رقابت دو تیم بودیم، نه فقط چند بازیکن خاص. تمام ۱۳ بازیکن هر دو تیم، امتیاز آوردند که فوق‌العاده است. در نهایت جز به خاطر دقت شوت بهتر و دفاع منسجم‌تر توانست با اختلاف ۳۷ امتیاز برنده میدان شود. خاص‌ترین بازی سری، بازی چهارم بود. در این بازی شاهد نبرد ماری و میچل بودیم. هر دو بازیکن در بهترین شرایط خود بودند. ماری ۹ از ۱۵ تا سه‌امتیازی زد و ۵۰ امتیاز آورد. میچل هم ۵۱ امتیاز آورد تا این بازی به تنها بازی پلی‌آف تبدیل شود که دو بازیکن رقیب، هم‌زمان بیشتر از ۵۰ امتیاز می‌آورند.

به رختکن برگشتند و به این حرکت پیوستند. به‌خاطر مسائل نژادپرستی و هم‌چنین نزدیک‌بودن لیگ به این مسائل، بازیکنان دست به اعتراض زدند و ترجیح دادند با بازی نکردن، اعتراض خود را برسانند. لیگ هم به این حرکت احترام گذاشت و دو روز بازی‌ها را به تعویق انداخت. نکته بعدی این سری، بردن بازی اول توسط مجیک بود که همه را به این فکر فرو برد که شاید سری زود تمام نشود. ولی یانیس در ۴ بازی بعد کار را تمام کرد و به دور بعدی رفتند.

دیمین لیلارد وقتی توسط بوری و جرج در اینستاگرام تحقیر شد. با دو بازی ۵۱ و ۶۱ امتیازی. جواب آن‌ها را داد.

در تقابل دالاس و کلیپرز، دو تیم نشان دادند که سری جذابی در پیش داریم. کلیپرز به‌عنوان مدعی قهرمانی به این سری رسید ولی جرج قبل از پلی‌آف خیلی موجهی نشان داد و این، طرفداران را نگران کرد. بازی اول ۴۲ امتیاز دانچیچ در مقابل ۵۶ امتیاز لِنرد و جرج کافی نبود و با اختلاف ۸ امتیازی بازی را واگذار کردند. البته ناگفته نماند که پورزینگس، بازیکن دوم دالاس با یک داوری بحث‌برانگیز اخراج شد و همین، کار را برای آن‌ها خیلی سخت کرد. بازی بعد، پورزینگس به کمک هم‌قارهای خود آمد و با ۲۳ امتیاز و هم‌چنین ۴ از ۱۷ پرتاب موفق، پال جرج توانستند بازی دوم را بگیرند. بازی سوم هم دالاس مشکلات زیادی داشت. لوکا با این‌که در آخر تریپل‌دابل کرد ولی زمان زیادی از بازی بیرون بود و همین به تیم خیلی ضربه زد و در آخر هم مغلوب لِنرد شد. بازی بعدی هم خیلی بد شروع شد. پورزینگس به‌خاطر مصدومیت نتوانست بازی کند و این یعنی فقط لوکا می‌ماند. تا آخر نیمه اول، کلیپرز توانست جلو باشد ولی بعد از شروع نیمه دوم، لوکا کار خودش را کرد و تیم را جلو انداخت. بازی در نهایت مساوی شد و بازی به وقت اضافه کشید. در دقیقه آخر، مارکوس موریس یک سه‌امتیازی زد و بازی با یک اختلاف به نفع کلیپرز شد با ۹۶ ثانیه زمان. در این شرایط همه می‌دانستند که شوت آخر را لوکا خواهد زد ولی لوکا کنار زمین در آرام‌ترین شرایط خود بود که نشان از تجربه به‌شدت بالای این پسر می‌داد. روی توپ آمدن لوکا با یک پیک خوب، توانست از لِنرد جدا شود و مقابل رچی جکسن قرار گیرد و با یک سه‌امتیازی استپ‌بک (پرش به عقب) به سبک خودش در لحظه آخر، بازی را با دو امتیاز ببرد. در دو بازی بعدی لوکا نتوانست کاری از





کیما جورابچی
مهندسی هوا فضا ۹۶

بدن سازی یا آمادگی جسمانی؟

مصاحبه با آقای «محمد مهدی رفیعی»، دارای مدرک دکترای فیزیولوژی ورزشی

که در موقع خواب عمیق و در ساعت ۲-۳ صبح می باشد، استفاده کند و همچنین بافت های ریز آسیب دیده در تمرین، بدون این که خود ورزشکار در آن دخیل باشد، ترمیم شود. پس پیشنهاد می کنم به ورزشکاران حرفه ای که ساعت ۱۱ هر شب به رخت خواب بروند تا بتوانند از عملکرد بهتری در وعده تمرینی بعد بهره مند شوند.

خواب شبانه، یکی از مهمترین عوامل است که امروزه از دید خیلی از ورزشکاران، بی اهمیت جلوه داده می شود و می تواند تأثیر به سزایی در ریکاوری بدن و آماده تر بودن بدن در تمرین روز بعد داشته باشد.

تفاوت بدن سازی ورزش های فردی و گروهی، در چیست؟

بدن سازی هر رشته ورزشی، چه انفرادی و چه تیمی، نیاز به برنامه ریزی، طراحی دقیق، شناخت کافی از تمرینات و فاکتورهای آمادگی جسمانی دارد، اما از نظر ساختاری و عملکردی، تمرینات بدن سازی بیشتر بر اساس تفاوت های فردی نوع رشته، به طور مستقل طراحی می شود.

فقدان مطالعه و تحصیلات آکادمیک در ورزش، چه تأثیری دارد؟

امروزه نقش آموزش در رشته های ورزشی مختلف خیلی پررنگ تر از قبل شده چرا که با بالا رفتن سطح علمی مربیان در زمینه تربیت بدنی، می توان کمک شایانی به پیشرفت تیم های ورزشی پایه، مدارس، دانشگاه ها و در نهایت تیم های ملی رساند. در کنار تحصیلات آکادمیک، داشتن تجربه در کارهای مربی گری به عنوان کارورزی و حضور در کلاس های هم سان سازی و کارگاه هایی که فدراسیون ها برگزار می کنند، می تواند تأثیر به سزایی در پیشرفت جامعه ورزشی داشته باشد.

در پایان، اگر نکته ای مدنظر دارید، بفرمایید

حرف آخر این که به نظر بنده، تمام رشته های ورزشی، نیاز مبرمی به یک مربی با اطلاعات کافی در مورد رشته دوومیدانی و کار با وزنه دارند. بنابراین در رشته مورد نظر، باید یک مربی بدن ساز در کنار تیم باشد؛ که یک فیزیولوژیست ورزشی می تواند در این زمینه، کمک شایان ذکری به سرمربی های خوب کشورمان داشته باشد.

کدام رشته ها، بیش تر به بدن سازی نیاز دارند؟ چرا؟

این سؤال به نظر بنده نباید چرا داشته باشد، زیرا در دنیای امروز ورزشی و حتی سلامت، بدن سازی یکی از ارکان زندگی سالم می باشد، زیرا که روند پیری با کاهش سنتر پروتئین های عضلانی شروع می شود، اما باید به بعضی مسائل در این سنین در بحث بدن سازی نگاه ویژه ای داشت. به نظر بنده، تمام رشته های ورزشی باید تمرین های آمادگی جسمانی خاصی را انجام بدهند تا به بهترین عملکرد در مسابقات و تمرین ها برسند.

با توجه به سابقه شما در کار کردن با دوومیدانی کاران، به نظر تان علت عدم توفیق ما در رشته دوومیدانی در المپیک چیست؟

بنده از سال ۱۳۷۷ تا آخرین سال دانشجویی دکتری که در المپید دانشگاهی به عنوان ورزشکار دوومیدانی در تیم دانشگاه تهران حضور داشتم و همچنین هم اکنون که به عنوان مسئول انجمن دوومیدانی آموزش و پرورش استان مرکزی فعالیت دارم، در جواب سؤال شما باید بگویم که ژنتیک در دنیای ورزش امروز حرف اول را می زند، نمی گویم ما ایرانی ها ژنتیک بدی داریم، اتفاقاً یکی از ژن های خوب دنیا را دارا هستیم، اما کشورهای آفریقایی و آمریکایی در مقایسه با کشور ما از امکانات و سخت افزارهای تمرینی مناسب تری برخوردار هستند، از این رو باید بگویم دوومیدانی، ورزش لحظه هاست و برای رسیدن به موفقیت در المپیک و مسابقات جهانی، برنامه ریزی خیلی دقیقی نیاز است.

اهمیت استراحت و فرجه های ورزشی چه میزان است؟

تمامی ورزشکاران و مربیان عزیز باید بدانند چندین عامل در کنار هم می توانند در موفقیت یک ورزشکار دخیل باشند؛ عواملی از قبیل تمرین مناسب، استراحت و خواب کافی، تغذیه و غیره. خواب شبانه یکی از مهم ترین عوامل است که امروزه از دید خیلی از ورزشکاران، بی اهمیت جلوه داده می شود و می تواند تأثیر به سزایی در ریکاوری بدن و آماده تر بودن بدن در تمرین روز بعد داشته باشد. وقتی ورزشکار، فعالیت ورزشی انجام می دهد، اتفاقاتی فیزیولوژیکی در بدن او روی می دهد که اگر ورزشکار مقدار خواب کافی داشته باشد، می تواند از حداکثر ترشح هورمون رشد

لطفاً خودتان را معرفی کنید.

بنده محمد مهدی رفیعی هستم، دکتری فیزیولوژی ورزشی و از سال ۱۳۹۴ مربی بدن ساز تیم ملی بیسبال در مسابقات آسیایی بوده ام، همچنین هم زمان در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۷ به مدت ۲ سال، به عنوان مربی بدن ساز تیم ملی فوتبال ۵ نفره نابینایان در مسابقات جهانی و بین المللی حضور داشتم، در سال گذشته نیز در مقطعی، مربی بدن ساز تیم ملی هندبال نوجوانان بودم.



از تأثیر بدن سازی روی آمادگی در رشته های مختلف بگویید.

یکی از مشکلاتی که ورزش کشور ما را نسبت به کشورهای دیگر، ضعیف تر نشان می دهد، عدم توجه به اهمیت آمادگی جسمانی در رشته های مختلف ورزشی به خصوص بدن سازی مناسب و علمی در رده های سنی پایه می باشد. وقتی شما در مورد بحث بدن سازی صحبت می کنید، افکار خیلی از مربیان و ورزشکاران به سمت ورزشکاران پرورش اندام سوق پیدا می کند؛ در صورتی که منظور از مربی بدن ساز یک رشته ورزشی، مربی آمادگی جسمانی می باشد که باید از تمامی فاکتورهای آمادگی جسمانی و مورد نیاز آن رشته ورزشی، اطلاعات کافی داشته باشد. اگر بخواهیم از تأثیرات بدن سازی در رشته های مختلف صحبت کنیم باید به این نکته برسیم که به نظر بنده، بدن سازی مناسب برای هر رشته ورزشی، یکی از عوامل رسیدن به موفقیت برای هر ورزشکار می باشد، چرا که ورزشکار، فاکتورهای آمادگی جسمانی خود را از قبیل: استقامت قلبی تنفسی، استقامت عضلانی، قدرت و توان، می تواند از تمرین های بدن سازی کسب کند.





شروین دخت ارشد
مهندسی صنایع ۹۵ خوارزمی

سیتے؛ آرامش قبل از طوفان یا بعد از طوفان؟

چرا محرومیت باشگاه منچستر سیتے بخشیده شد؟

اما پس از تقاضای فرجام‌خواهی توسط باشگاه، این محکومیت‌ها در دادگاه عالی ورزش مجدداً مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت حکم یوفا ابطال شد و منچستر سیتے تنها به ۱۰ میلیون یورو جریمه نقدی محکوم شد و محرومیت آن‌ها از حضور در مسابقات اروپایی لغو گردید.

«اگر متخلف نیستند چرا جریمه مالی شدند و اگر اشتباه کرده‌اند، چرا حکم محرومیت آن‌ها لغو شده؟»

بیانیه یوفا در مورد رأی CAS:

«یوفا مطلع شده که پنل داوران CAS به این نتیجه رسیده‌اند که شواهد و مدارک برای تصمیم‌گیری قبلی درباره این پرونده کافی نبوده و برخی از تخطی‌ها به دلیل گذشتن ۵ سال از آن‌ها، طبق قوانین یوفا قابل بررسی نبوده‌اند. قوانین فیرپلی مالی در سال‌های گذشته، نقش مهمی در محافظت از باشگاه‌ها و کمک به پایداری و ثبات مالی آن‌ها داشته و یوفا هم‌چنان به پایبندی به این قوانین ادامه خواهد داد.»

چرا این محرومیت بخشیده شد؟

با توجه به دلایل مکتوبی که CAS ارائه کرده‌است، می‌توان گفت دلیل اصلی لغو این محرومیت هنوز مشخص نیست! با این حال CAS اعلام کرده‌است که بیشتر تخلفات ذکر شده یا ثابت نشده‌اند و یا در یک

خانواده حاکم ابوظبی، از بودجه‌هایی خارج از باشگاه برای تیمش استفاده می‌کند. یکی از ایمیل‌های فاش‌شده نشان می‌دهد که تنها ۸ میلیون پوند از قرارداد اسپانسر سیتے با شرکت اتحاد از سوی این ارگان تأمین شده و باقی این ارقام از دیگر شرکت‌های تحت هدایت شیخ منصور به باشگاه تزریق می‌شود. طبق این مستندات اتحادیه فوتبال اروپا در تاریخ ۱۴ فوریه (۲۵ بهمن) به‌طور رسمی اعلام کرد باشگاه منچستر سیتے به دلیل نقض قوانین بازی جوان‌مردانه مالی یوفا و به اتهام سندسازی و اعلام غیرواقعی رقم درآمدهایش برای توجیه خریدهای نجومی خود بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶، به مدت دو سال از حضور در مسابقات اروپایی محروم است. یوفا هم‌چنین این باشگاه انگلیسی را ۳۰ میلیون یورو جریمه نقدی کرد.



بخش محرومیت دوساله سیتے از حضور در لیگ قهرمانان

... «فکر می‌کنم در CAS هیچ چیز مطابق استاندارد نیست.»

... «اگر متخلف نیستند چرا جریمه مالی شدند و اگر اشتباه کرده‌اند، چرا حکم محرومیت آن‌ها لغو شده؟»

... «فکر نمی‌کنم خبر خوبی برای دنیای فوتبال بوده باشد!»

«فکر می‌کنم در CAS هیچ چیز مطابق استاندارد نیست.»

واکنش برخی از مربیان و اعضای جامعه فوتبال را در

مورد خبر رفع محرومیت منچستر سیتے از حضور در دو فصل آتی مسابقات لیگ قهرمانان اروپا توسط دادگاه عالی ورزش خواندیم. اما دلیل این محرومیت چه بود و آیا بخشش آن، عادلانه بود؟

باشگاه فوتبال منچستر سیتے مرتکب نقض جدی آیین‌نامه صدور مجوز و پخش مالی یوفا شده‌است. شورای دادرسی هم‌چنین دریافت که باشگاه با نقض مقررات، در جریان تحقیقات این پرونده، همکاری نکرده‌است. اسناد و مدارک نشان می‌دهد که مالک سیتیزن‌ها، «شیخ منصور بن زاید آل نهیان» از



احمد
@ahmadhmkh53

کجایند مردان بی ادعا؟

Translate Tweet



12:58 AM · Aug 15, 2020 · Twitter for Android



Javad Darvish
@darvish_javad

بعد گل هشتم نیمکت نشینهای بارسلونا که جایگاه تماشاگرا نشستن، نزدیک بود صندلی‌ها رو بشکنن. بعد میگن چرا تو ایران تماشاگرا صندلی میشکنن؟ بابا اون صندلی‌ها کارکرد اصلیش همینه، کارکرد فرعیش برای نشستن

Translate Tweet

1:24 AM · Aug 15, 2020 · Twitter Web App



Hassan Alizadeh
@hassanA_14

مسی بازیای مهم برمیگرده سیارشون

Translate Tweet

1:22 AM · Aug 15, 2020 · Twitter for Android



محدوده زمانی مشخص و مقرر رخ داده است؛ پس قابل پیگرد نمی باشد. این دادگاه فقط اتهام سیتی مبنی بر عدم همکاری در تحقیقات را پذیرفته، هرچند کاهش جریمه از ۳۰ میلیون یورو به ۱۰ میلیون یورو هم باز در نوع خود عجیب است! هم چنین اظهار داشته است که ممنوعیت شرکت در مسابقات باشگاهی تحت نظر یوفا (لیگ قهرمانان اروپا) مناسب نبوده و فقط آن ها به جهت عدم همکاری با تحقیقات کنترل مالی از سوی یوفا، که ملزم به همکاری بوده اند، باید جریمه نقدی شوند.

دادگاه عالی ورزش با در نظر گرفتن منابع مالی باشگاه، اهمیت همکاری باشگاه ها در تحقیقات انجام شده توسط UEFA و با توجه به عدم رعایت این اصل توسط باشگاه منچستر سیتی و جلوگیری از تحقیقات،

«فکر نمیکنم خبر خوبی برای دنیای فوتبال بوده باشد...!»

دریافته است که باید جریمه قابل توجهی به باشگاه فوتبال منچستر سیتی اعمال شود و کاهش جریمه اولیه یوفا به میزان یک سوم یعنی ۱۰ میلیون یورو مناسب خواهد بود.

منفعت به دست آمده برای باشگاه:

از نظر مالی، اگر سیتی برای دو فصل از فوتبال اروپا محروم می شد، علاوه بر جریمه اولیه ۳۰ میلیون یورویی، میلیون ها یورو درآمد را به خاطر عدم حضور در مسابقات از دست می داد. به صورت تخمینی حضور در لیگ قهرمانان اروپا و صعود به مراحل بالاتر، حدود ۱۰۰ میلیون پوند در سال سودآوری برای باشگاهی در سطح من سیتی دارد، بنابراین غیبت به مدت دو فصل در این رقابت ها به این معنی است که احتمالاً چیزی حدود ۲۰۰ میلیون پوند به باشگاه ضرر وارد می کرد.

این محرومیت قطعاً ابهاماتی را درباره آینده ستارگان

باشگاه نظیر کوین دیبروینه، سرخیو آگوئرو و رحیم استرلینگ و سرمربی این تیم، پپ گواردیولا که تشنه موفقیت در اروپا هستند، ایجاد می کرد. اما در نهایت نه تنها تمامی ستارگان ماندنی شدند، بلکه مدیران ثروتمند این تیم با خرید ستاره هایی چون ناتان آکه، روبن دیاز و فران تورس در نقل و انتقالات

«آنها به خاطر آنچه در زمین و خارج از آن نمایش می دهند، سزاوار این موفقیت هستند.»

تابستانی، خودی نشان دادند تا خود را برای حضور قدرت مندتر در فصل جدید لیگ برتر و لیگ قهرمانان مهیا کنند.

حال باید منتظر عملکرد این فصل باشگاه بود تا ببینیم آیا واقعاً پول و سرمایه، تمام آن چیزی است که یک باشگاه برای موفقیت نیاز دارد یا خیر؟



منچستر سیتی، قهرمان فصل ۲۰۱۹ - ۲۰۲۰ و نائب قهرمان فصل ۲۰۲۰ - ۲۰۱۹ لیگ برتر

Sam Sattarzadeh
@samsattarzadeh

کی باورش میشد این گروه دو تا تیم تو نیمه نهایی بده؟

Translate Tweet

	S.	S.	U	N	PL.
RB Leipzig	6th	3	2	1	11
Olympique Lyonnais	6th	2	2	2	8th
SL Benfica	6th	2	1	3	7th
FC Zenit	6th	2	1	3	7th

1:43 AM · Aug 16, 2020 · Twitter for Android

Farzad
@farzad_fotouhi

جناب آرتورو ویدال افاضه فرموده بودند که بایرن باید از این بازی بترسد چون حریفش بهترین تیم دنیاست، نه تیم های ضعیف بوندسلیگا. اضافه عرضی نیست 😊

Translate Tweet

1:24 AM · Aug 15, 2020 · Twitter for Android

ahmadreza shojaee
@ahmad_shojaee

بارسا چون فراتر از ی باشگاه، اندازه دو سه تا باشگاه گل خورد امشب
#mia_san_mia
#BayernMunich

Translate Tweet

1:53 AM · Aug 15, 2020 · Twitter for Android

گاز بزه خوج
@jordiAlbaloo

یکی از بچه ها قبل بازی گفت بارسا لونا راحت میبره، 28 باخت نامبرده آخرین باری که رفته بود استادیوم شش دو سپیدرود به سپاهان باخته بود.

فک کنم بشه از توش یه ماشین شرط بندی درآورد

Translate Tweet

1:28 AM · Aug 15, 2020 · Twitter Web App



سید محمد حسین قاسمی

مهندسی مکانیک ۹۵

بازگشت تدریجی یک رؤیا

یکه تازی میلان در پساکرونا

از پایان فصل، آن‌ها با ۶۶ امتیاز، در رتبه ششم ایستاده بودند و حسرت نشیب‌هایی را خوردند که اگر نبود، می‌توانستند حتی در کورس قهرمانی سری آ باشند.

علاوه بر زلاتان، «بنجامین باتن» فوتبال، که خونی تازه در رگ‌های روسونری جریان داد و شریان اصلی موفقیت‌های نیم‌فصل دوم تیم (علی‌الخصوص پس از آغاز مجدد رقابت‌ها) بود، چند بازیکن، نقشی کلیدی در پروژه بازسازی میلان داشتند؛ «هاکان چالهان اوغلو»، هافبک بازی‌ساز، خلاق و مؤثر میلان، یک شماره ۱۰ تمام‌عیار در خدمت تیم به حساب می‌آید که پاس‌گل‌ها و گل‌هایش، سوختی برای موتور پیش‌رانش قرمزومشکی پوشان به شمار می‌رود. «آنته ریچ» و «الکسیس سائلماکرز» نیز به‌عنوان بال چپ و راست میلان، تغذیه زلاتان را برعهده دارند؛ البته پیولی، «لوکاس پاکتا» و «سامو کاستیخو» را نیز روی نیمکت، به‌عنوان گزینه‌های جای‌گزین می‌بیند. «فرانک کسیه» و «اسماعیل بن‌ناصر»، دو هافبک دفاعی و هافبک وسط تیم هستند که با گذر زمان، جای خود را در ترکیب، محکم کرده‌اند. «تئو هرناندز»، با مدل‌موی جدیدش، یک دفاع چپ نسبتاً مطمئن برای میلان است، اما در مقابل، با حضور «آندره‌آ کونتی» و «داویده کالابریا»، سمت راست تیم، دست‌کمی از اتوبان، ندارد و هنوز هم نیاز به ترمیم در این منطقه، بسیار حس می‌گردد. یک ترکیب دوتایی از مثلث «الساندرو رومانیولی»، «سیمون کیائر» و «متئو گایا»، قلب خط دفاعی این تیم را تشکیل می‌دهند و «جیان‌لوئیجی دوناروما» نیز هم‌چنان سنگربان نخست میلان، تلقی می‌شود. حال باید منتظر ماند و دید که با حفظ شاکله اصلی تیم فصل پیش و خرید یا قرض‌گرفتن بازیکنان جدید نظیر «براهیم دیاز» از رئال مادرید، «ساندرو تونالی» (پیرلوی جدید فوتبال ایتالیا) از برشا و «پیر کالولو» از لیون، این فصل، چه مسیری، پیش‌روی غول قدیمی فوتبال ایتالیا قرار خواهد گرفت؛ آیا انتهای این مسیر، یاران زلاتان، بهشت را به نظاره می‌نشینند یا در آتش فراق اسکودتو، می‌سوزند؟!

شاگردان پیولی بود. موردی که نگرانی‌ها پیرامون تیم را تشدید می‌کرد، برنامه سنگین تیم در سه هفته پیش‌رویشان بود؛ جدال با لاتزیو، یوونتوس و ناپولی، در کمتر از نه روز!

درحالی‌که به‌ظاهر، گرفتن تساوی از این تیم‌ها هم برای میلان، سخت می‌نمود، آن‌ها، به یاد روزهای طلایی‌شان، با ۹ گل زده در مجموع، ۷ امتیاز دشت کردند. همه‌چیز به شکلی رؤیایی پیش رفت؛ پیروزی ۳-۰ در برابر لاتزیو (تیم دوم جدول)، ۴-۲ در برابر یوونتوس (تیم

این فصل، چه مسیری، پیش‌روی غول قدیمی فوتبال ایتالیا قرار خواهد گرفت؛ آیا انتهای این مسیر، یاران زلاتان، بهشت را به نظاره می‌نشینند یا در آتش فراق اسکودتو، می‌سوزند؟

نخست رقابت‌ها) و تساوی ۲-۲ در برابر ناپولی (به سرمربی‌گری «جنارو گتوزو» که شاگردان قدیمی‌اش را به‌خوبی می‌شناخت و به‌تازگی، در فینال جام حذفی، با شکست تیم‌های معتبر ایتالیا، قهرمان شده بود)، نتایجی بودند که خوش‌بین‌ترین هوادار میلان هم فکر آن را نمی‌کرد. تیم، به‌اصطلاح تازه رو آمده بود و پیولی نیز با شناختن ترکیب ثابت خود، یکی پس از دیگری، امتیازات را به اندوخته تیم پرافتخار ایتالیایی، واریز می‌کرد. پارما (۳-۱)، بولونیا (۵-۱)، ساسولو (۲-۱)، سمپدوریا (۴-۱) و کالیاری (۳-۰)، از دم تیغ‌شان گذشتند و با آتلانتای ترسناک فصل گذشته -که در دیدار رفت، ۵ بار، توپ را به تور دروازه میلان چسبانده بود- نیز به تساوی ۱ بر ۱ رسیدند. پس

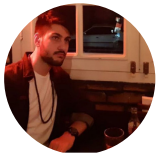
هنگامی که یک رؤیا می‌میرد، آرزوهای انسان‌های بسیاری نیز همراه آن، دفن می‌شود. هواداران روسونری، اندکی کمتر از یک دهه است که هرگاه دل‌تنگی به آن‌ها هجوم می‌آورد، صندوقچه خاطرات‌شان را از انبار ذهن بیرون آورده، گردوخاکش را می‌گیرند و آن‌را می‌گشایند. البته پس از مدتی، از این کار نیز دل‌زده می‌شوند و به رؤیاپردازی روی می‌آورند؛ اما مرز میان رؤیا و واقعیت، برای قرمزومشکی پوشان، بزرگ‌تر از آن بوده که رنگ تحقق، بر بازگشت شکوه و جلال‌شان، پاشیده شود.

آغاز فصل ۲۰۲۰ - ۲۰۱۹، با آمار فاجعه‌بار چهار شکست از هفت بازی، برای میلان، خوشایند نبود؛ درهای خروجی سن‌سیرو، خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد، به روی «مارکو جامپائولو»، گشوده شد. درحالی‌که گزینه‌هایی نظیر «لوچیانو اسپالتی» و «آرسن ونگر»، روی میز مدیران آ.ث. میلان دیده می‌شد، در نهایت، «استفانو پیولی»، سگ‌ان کشتی فرسوده و آسیب‌دیده این تیم را به دست گرفت. طرفداران، روی خوشی به پیولی نشان ندادند و از همان ابتدا، او را گزینه‌ای ناکارآمد، می‌دانستند؛ آن‌ها از نیمکت ناپایدار تیم‌شان -که به کاروان سرا می‌مانست- ناراضی بودند و سرمربی اسبق اینتر را نیز تأثیرگذار نمی‌دیدند. استفانو، در پی اثبات خودش بود و با جذب «زلاتان ابراهیموویچ» در نیم‌فصل، شخصیت‌بخشی به تیم را در دستور کار قرار دارد. البته نتایج سینوسی میلان، ادامه داشت، اما اوضاع آن‌قدر بحرانی نبود که سرمربی، از کار برکنار شود. میلانی‌ها هم به در میانه جدول بودن، عادت کرده و با خود زمزمه می‌کردند: «ما را به سخت‌جانی خود این گمان نبود».

درحالی‌که با شکست خانگی ۲ بر ۱ در برابر جنوا، میلانی‌ها به تعطیلات کرونایی رفته بودند، پس از آغاز دوباره رقابت‌ها، پیروزی پرگل در برابر لچه و برتری دوگله در برابر رقیب مستقیم کسب سهمیه لیگ اروپا (آ. اس. رم)، روحیه را به اردوگاه روسونری، بازگرداند، تساوی عجیب در برابر تیم دهنفره و ته‌جدولی اسپال، نهال امیدشان را خشکاند و نشان‌گر تداوم در تناوب نتیجه‌گیری

MOST POINTS AFTER THE BREAK	
MILAN	30
ATALANTA	27
ROMA	25
INTER	25
NAPOLI	23
JUVENTUS	20

عملکرد فوق‌العاده میلان در بازی‌های پس از قرنطینه



سام ستارزاده

کارشناسی ارشد مهندسی برق تورتو ۹۸

پشت پرده یک قانون تاریخی

کندوکاوی در باب قانون منع جذب خارجی‌ها در فوتبال

داستان فوتبال ما از دیرباز به مربیان خارجی گره خورده‌است؛ به مربیانی که فوتبال ما همواره بخش قابل توجهی از پیشرفت خودش را مدیون آنان بود. پیش از انقلاب اسلامی، انگلیسی‌هایی نظیر «هری گوم»، فوتبال را به جنوب کشور آوردند؛ پرسپولیس نخستین جام‌های تاریخش را با «آلن راجرز» فتح کرد؛ استقلال، با «زدراکو رایکوف» طعم شیرین قهرمانی آسیا را چشید. تیم ملی بزرگسالان مان هم با امثال «گئورگی سوکس» و «فرانک اوفارل» مدال‌های بازی‌های آسیایی را درو می‌کرد. پس از انقلاب نیز این چرخه سازنده با حضور امثال «استانکو پوکلچ» در پرسپولیس، «ولادیمیر دیکچ» در استقلال، «یوجینی لیدین» در ذوب‌آهن، و «میروسلاو بلاژویچ» در تیم ملی، ادامه یافت.

شاید کسی حتی تصورش را هم نمی‌کرد که روزی متولیان فوتبال ایران، خودشان قانونی بنویسند برای کوتاه‌ساختن دست فوتبال ایران از خارجی‌ها. نه‌تنها در آن روزگاران دور، بلکه دو سال قبل، زمانی که «کی‌روش» برای فوتبال ملی ما تاریخ‌سازی می‌کرد و سرخابی‌ها نیز به‌دست «برانکو ایوانکوویچ» و «وینفرد شفر» به تن‌غول‌های غرب قاره کهن رعشه می‌انداختند. تحریم‌های ظالمانه آمریکا علیه ملت ایران، دلار ۸ هزار تومانی، و ورشکستگی اقتصادی که شدت آن در فوتبال، بیش‌تر از حوزه‌های دیگر کشور هم بود، ما را برای کاهش تعداد این خارجی‌ها آماده ساخته‌بود. ولی هیچ‌گاه انتظار نداشتیم این موضوع به‌شکل یک قانون درآید.

در مورد این که چرا این قانون تصویب شد، گمانه‌زنی‌های زیادی وجود دارد. عده‌ای ماجرای خسارت بیش از ۶ میلیون یورویی قرارداد «مارک ویلموتس» با فدراسیون فوتبال را که حکمش یک روز قبل از اعلام ممنوعیت جدید صادر شد، محرک

اجرای این قانون دانستند. جمعی دیگر نیز بدهی‌های کلان فوتبال ایران به خارجی‌های خودش را که به گفته «صادق درودگر»، عضو کمیته اقتصادی سازمان لیگ، در ده سال اخیر بالغ بر ۴۵ میلیون دلار می‌شد، دلیل تصمیم مسئولین پنداشتند. اما اصل ماجرا نه به ویلموتس مربوط است؛ و نه به بدهی ارزی فوتبال یا کیفیت نازل برخی بازیکنان خارجی شاغل در لیگ ایران.

بحث ایرانیزه کردن فوتبال ملی و باشگاهی از بهار ۹۸ مطرح شده‌بود. حتی پیش از امضای قرارداد تیم ملی با ویلموتس، «مهدی تاج»، رئیس سابق فدراسیون فوتبال، در مصاحبه‌ای از لزوم اتخاذ آرایش دفاعی در نظام مالی فوتبال سخن به‌عمل آورده‌بود.

مردامه پارسال، مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای تیم ملی والیبال جوانان که چندی پیش با سرمربی داخلی به قهرمانی هم رسیده‌بودند، فرمودند: «من همواره معتقد بوده‌ام که مجموعه‌های ورزشی کشور شایسته‌است، سرمربی ایرانی داشته‌باشند». سه ماه و اندی بعد، چهار سرمربی خارجی در چهار نهاد متمول فوتبال مان، ویلموتس در تیم ملی، «استراماچونی»

بحث ایرانیزه کردن فوتبال ملی و باشگاهی از بهار ۹۸ مطرح شده‌بود. حتی پیش از امضای قرارداد تیم ملی با ویلموتس، «مهدی تاج»، رئیس سابق فدراسیون فوتبال، در مصاحبه‌ای از لزوم اتخاذ آرایش دفاعی در نظام مالی فوتبال سخن به‌عمل آورده‌بود.

در استقلال، «کالدرون» در پرسپولیس، و «دنیزلی» در تراکتور، چمدان بستند و از ایران رفتند. هر چهار نفر هم از قانونی جدید در فیفا استفاده کردند که به سرمربیان اجازه می‌داد در صورت عدم پرداخت دست‌مزدشان به‌مدت «سه ماه»، قراردادشان را به‌صورت یک‌طرفه فسخ کنند.

قانون ممنوعیت استخدام خارجی جدید، به‌نظر کاملاً مدّ نظر مدیران فوتبال کشور نیست. بسیاری از آنان پیش از تصویب این قانون و حتی در زمان مدیریت‌شان در باشگاه‌های لیگ‌برتری، برای جلب رضایت هواداران باشگاه، همواره وعده جذب بازیکن و سرمربی بزرگ از آن‌سوی مرزها می‌دادند. «هوشنگ نصیرزاده»، عضو هیئت‌رئیس سازمان لیگ که نخستین شخصی بود که تصویب قطعی این قانون را به اطلاع رسانه‌ها رساند، اندکی قبل در مصاحبه‌ای با برنامه



«وقت اضافه» در رادیو ایران اذعان کرد که «از بالا به ما فشار آوردند و دستور دادند که این داستان [خارجی‌ها] را جمعش کنید!»

گویا برخی باشگاه‌های ایرانی نیز قصد مکاتبه با فیفا و گزارش «دخال غیرفوتبالی‌ها در سیستم فوتبالی کشور» را سر این ماجرا داشته‌اند که در صورت پی‌گیری کامل می‌توانست موجب تعلیق فوتبال ایران نیز گردد! هرچند در رسانه‌ها، علت این مکاتبات -به‌غلط- مغایرت قانون منع جذب با اساس‌نامه فیفا عنوان شد که چنین موضوعی صحت ندارد.

هوشنگ نصیرزاده: «از بالا به ما فشار آوردند و دستور دادند که این داستان [خارجی‌ها] را جمعش کنید!»

ورود خارجی‌ها به فوتبال ایران در شرایطی محدود شده که در فصل ۹۸-۹۷، پرسپولیس در لیگ برتر و گل‌گهر در لیگ یک با سرمربی خارجی عنوان قهرمانی را از آن خود کردند، و آقای گل دو فصل اخیر فوتبال ایران نیز خارجی بوده‌است. حتی خود آقای نصیرزاده دو بار اشاره کرده‌اند که اجرای این قانون می‌تواند منجر به تضعیف نمایندگان ایران در لیگ قهرمانان آسیا و حتی کاهش سهمیه ایران در معتبرترین آوردگاه آسیایی گردد.

لذا، به‌نظر می‌رسد دغدغه آن‌هایی که برای تصویب ممنوعیت جذب خارجی‌ها روی نهادهای فوتبالی فشار گذاشتند، نه ارتقای کیفیت فوتبال ایران، بلکه تنها کاهش هزینه‌های ارزی فوتبال کشورمان بوده؛ حتی به قیمت کره‌شمالی‌سازی آن. البته در بعد اقتصادی نیز، اتخاذ تصمیمات مشابه در صنعت خودروسازی حاصلی نداشت جز این که همان پراید ده سال قبل، قیمتش به ۱۴۰ میلیون تومان برسد. همین امسال نیز، افزایش نجومی دریافتی فوتبالیست‌های داخلی لیگ را که برکت قانون جدید بوده، هیچ‌کدام از تصویب‌کنندگان قانون منع جذب، گردن نمی‌گیرند.

جای تلخ داستان آن است که رقابت‌های امسال لیگ قهرمانان آسیا نشان داد که سرمایه‌گذاری رقبای ما در قاره کهن روی بازیکنان خارجی و مربی خارجی، نه‌تنها در بهبود کیفیت تیم‌هایشان، بلکه حتی در پیشرفت بازیکنان داخلی‌شان و رونق تولید در سیستم بازیکن‌سازی آن‌ها تا چه حد مؤثر بوده‌است. بحث را با پیش‌بینی برانکو از فوتبال ایران در همان بهار ۹۸ به پایان می‌رسانیم: «فوتبال ایران به‌زودی آماتور می‌شود!»



فوتبال پشت سیم‌های خاردار

به بهانه قانون منع جذب خارجی‌ها؛ نگاهی به فوتبال ایران، پس از کره شمالی‌سازی قریب‌الوقوع

۲۰۱۷، به عربستان دعوت شدند تا در جشن صعود سعودی‌ها به جام جهانی پس از ۱۲ سال غیبت شرکت کنند. این دقیقاً کاری است که در عربستان انجام می‌شود. شیخ محمد بن سلمان صرفاً از روی حرص و ولع دلارهای نفتی بی‌زبانیش را خرج فوتبال کشورش نمی‌کند؛ بلکه از فوتبال و قابلیت‌های آن، به‌خوبی آگاه است. دیکتاتور

شاید در نگاه اول بگوئید این قانون صرفاً از بحران‌های اقتصادی و ارزی کشور و نقش دلالت‌ها در جذب بازیکنان به‌کیفیت از ورای مرزها نشأت گرفته، اما ریشه این قانون، ضعف به‌مراتب بزرگ‌تری است.

سعودی با فوتبال، وجهه‌ای پاک و حماسی از عربستان سعودی ترسیم می‌کند تا دیگر فوتبال جهان، جنگ‌افروزی‌های این رژیم در کشورهایمانند یمن و رسوایی‌هایی را نظیر قتل جمال خاشققی، روزنامه‌نگار معروف فراموش کنند. آیا ما نیز مانند سعودی‌ها با فوتبال برای کشورمان اعتبار می‌خریم؟ پاسخ را در یکی از ستارگان حاضر در عکس می‌توان جست‌وجو کرد: «کارلوس پویول». شب بازی حماسی ایران-اسپانیا را به یاد دارید؟ کارلوس پویول به‌عنوان کارشناس به برنامه عادل فردوسی‌پور دعوت شد.

با ممنوعیت به‌کارگیری بازیکنان، سرمربیان و حتی دستیاران خارجی جدید در فوتبال ایران، عواقبی که گریبان فوتبالمان را خواهدگرفت تنها به آن‌چه تاکنون در رسانه‌ها شنیده‌اید ختم نخواهدشد. رسانه‌ها احذار کردند که با قانون جدید، قیمت داخلی‌ها سر به فلک خواهدکشید؛ دندان‌های نمایندگان ایران در لیگ قهرمانان آسیا نیز کشیده خواهدشد؛ و لیگ برتر با افت فنی فاحشی روبه‌رو خواهدشد. اما این، همه‌بلایی که قرار است سر پیکره نحیف و نیمه‌جان فوتبال در کشورمان بیاید نیست. بسیاری از کشورهای رو به پیشرفت و پیشرفته اروپا، آمریکا، و اخیراً آسیا، دیگر به فوتبال به‌عنوان یک سرگرمی و ورزش ساده نمی‌نگرند که در آن ۲۲ حقوق‌بگیر دنبال یک توپ می‌دوند و این به سرنوشت ما مردم عادی ربطی نداشته‌باشد؛ بلکه از دید آنان، فوتبال هم‌زمان یک اقتصاد، یک صنعت، و یک راه ارتباطی صلح‌آمیز با جهان بیرونی است.

به عکس این صفحه نگاه کنید. ریوالدو، رونالدو مریخی، لوئیز فیگو، رایان گیگز، روبرتو کارلوس، پائولو مالدینی، و یک ستاره دیگر در یک قاب. نکته عکس، حضور هم‌زمان این ستارگان در تصویر نیست؛ بلکه مکان و علت گردهم‌آیی آن‌هاست. اساطیر فوتبال جهان، در ماه دسامبر سال



جشن صعود عربستان به جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه با حضور چند ستاره بزرگ فوتبال جهان

مانند مهمانان سرشناس قبلی برنامه، فیگو و ساموئل اتوئو، پویول نیز می‌توانست ایران را ببیند و برای جهانیان تعریف کند که ایران (لااقل ایران ۲۰۱۸) یک کشور امن، عادی، و خرم است و بسیاری از سیاه‌نمایی‌های رسانه‌های غربی علیه ایران، دروغی بیش نیست. اما صداوسیما چه کرد؟ در سال حمایت از کالای تولید داخل، اسطوره فوتبال کاتالونیا را «کالا» قلمداد کرد و اجازه ورودش را به استودیوی پخش صداوسیما نداد؛ با این‌که هزینه سفر پویول به ایران نه از بیت‌المال، بلکه از جیب یک اسپانسر شخصی تأمین شده‌بود.





از یک بازی دوستانه ملی را هم نداریم. هزینه‌ها را به حداقل رسانده‌ایم، درآمدزایی بلد نیستیم، و در جام جهانی، لیگ قهرمانان آسیا، و جام ملت‌ها نیز تنها جهت رفع تکلیف حاضر می‌شویم.

در حال حاضر، مالک اورتون، شگفتی‌ساز این فصل لیگ جزیره، ایرانی است. فدراسیون فوتبال بلژیک، رئیسش ایرانی تبار است. با این حال، مدیران ما به قدری از لابی‌های بین‌المللی بی‌بهره هستند که نهادهی مانند AFC در کوران بازی‌های لیگ قهرمانان آسیا، یک روز حق میزبانی را از ما می‌گیرد؛ یک روز سیگنال پخش بازی‌ها را از ما دریغ می‌کند و...، اما ما زورمان نمی‌رسد.

الآن چه می‌کنیم؟ از فوتبال‌مان چه می‌خواهیم؟ تیم ملی و باشگاه‌های‌مان مدت‌هاست با تیم‌های مطرح کشورهای صاحب فوتبال هیچ بازی دوستانه‌ای انجام نداده‌اند. هزینه‌ها را به حداقل رسانده‌ایم، درآمدزایی بلد نیستیم، و در جام جهانی، لیگ قهرمانان آسیا، و جام ملت‌ها نیز تنها جهت رفع تکلیف حاضر می‌شویم.

این ضعف، در قراردادهای‌مان با خارجی‌ها نیز متبلور می‌شود. فقط به عمق فاجعه اشاره می‌کنم. به نقل از امیر هاشمی‌مقدم، مدیر برنامه‌های علی‌رضا جهانبخش، برخی مدیران ما حتی قراردادهای‌شان با خارجی‌ها را تایپ نمی‌کنند و با خودکار و روی کاغذ بدون سربرگ می‌نویسند؛ و نمی‌دانند این قراردادها از اعتبار ساقط‌اند! باشگاه‌های نمونه کشور نمی‌توانند در چارچوب قانون سرمربی خارجی استخدام و حفظ کنند.

فکر می‌کنید پویول افسانه‌ای در بازگشت از ایران، کشورمان را چگونه و با چه خاطره‌ای برای جامعه فوتبال ترسیم کرده؟ گمان می‌کنید آندره‌آ استراماچونی و گابریل کالدرون که با نالایمیتی از ایران رانده شدند، از ایران برای خارجی‌ها چه می‌گویند؟ پاسخی که در ذهن‌تان به این پرسش‌ها دادید، نمونه‌ای از فاجعه‌ای است که با اجرای قانون منع جذب خارجی‌ها، برای اعتبار کشور رخ خواهد داد. شاید در نگاه اول بگوئید این قانون صرفاً از بحران‌های اقتصادی و ارزی کشور و نقش دلالتی‌ها در جذب بازیکنان بی‌کیفیت از ورای مرزها نشأت گرفته؛ اما ریشه این قانون، ضعف به‌مراتب بزرگ‌تری است.

محدودیت ورود خارجی‌ها به فوتبال ایران، معلول ضعف و کم‌دانشی مدیران فوتبالی در برقراری ارتباطات بین‌الملل است. روزی روزگاری، در همین خاک، پرسپولیس میزبان بایرن مونیخ، استقلال میزبان اشتوتگارت، و تیم ملی ایران هم پذیرای خود آلمان بود. البسه پیراهن تیم ملی توسط برند معتبر پوما و به شکل‌ترین فرم ممکن آماده می‌شدند. پنج دوره از تورنمنت تبلیغاتی LG و دو دوره از جام ملت‌های غرب آسیا میزبانی کرده بودیم. پیشکسوتان سرشناس فوتبال جهان را برای دیدارهای خیریه به ایران می‌آوردیم. این‌ها صرفاً زرق و برق نبودند؛ بلکه ابزاری بودند برای به‌تصور کشیدن زیبایی‌های کشورمان برای جامعه جهانی. الان چه می‌کنیم؟ از فوتبال‌مان چه می‌خواهیم؟ باشگاه‌های‌مان مدت‌هاست با تیم‌های مطرح کشورهای صاحب فوتبال، هیچ بازی دوستانه‌ای انجام نداده‌اند. درحالی‌که سال‌ها در صدر رنکینگ فیفا بودیم، قطر و ژاپن به‌جای ما مهمان کوپا آمریکا شده‌اند؛ ولی ما توانایی میزبانی



برای‌شان راحت‌تر و کم‌دردس‌تر است تا برای جذب یحیی گل‌محمدی و محمود فکری از راه‌های فراقانونی اقدام کنند. می‌گویند قانون منع به‌کارگیری خارجی‌ها موقت و یک‌ساله است؛ اما شواهد حاکی از آن است که تا پایان تحریم‌های البته بی‌تأثیر رژیم آمریکا، این قانون هم پابرجا خواهد بود. اگر اوضاع تغییری نکند، در لیگ بیست‌ویکم و با کاهش تعداد خارجی‌های لیگ برتر از ۱۵ بازیکن و صفر مربی در حال حاضر، به عددی به‌مراتب پائین‌تر، ارتباط بازار بازیکنان خارجی با فوتبال ایران نیز قطع خواهد شد؛ و غیر از تورنمنت‌های بین‌المللی نظیر لیگ قهرمانان آسیا و جام ملت‌های آسیا، منفذی برای عبور از ایزولاسیون فوتبال ایران باقی نخواهد ماند. به عبارتی دیگر، با ادامه این روند، ما می‌مانیم و یک فوتبال نیمه‌جان و بی‌تأثیر؛ یک فوتبال محبوس پشت سیم‌های خاردار که رشته‌هایش با شعارهای پوچ تولید داخل درهم تنیده شده‌است.





علی انصاری

مهندسی مکانیک ۹۸

یک بهمن والیبالی

گزارش مسابقات والیبالی بین دانشگاهی



یک برگ برنده محسوب می‌شود؛ گزینه‌ای که «شریف» برخلاف «تهران» در اختیار نداشت و با جلوگیری از رفتن مسابقه و خستگی بچه‌ها زیر فشار مقابل با یک تیم سطح بالاتر، امتیازهای بازی بیشتر و بیشتر به «تهران» رسید تا این که در نهایت ۳ بر ۱، نتیجه‌ای بود که «تهران» را به فینال و «شریف» را راهی رده‌بندی کرد.

رده‌بندی از سوی دیگر قصه‌ای متفاوت داشت. طرف دیگر، دانشگاه «شهید بهشتی» بود که «شریف» در صورت پیروزی مقابل آن‌ها در مرحله گروهی، یک پای فینال محسوب می‌شد؛ پس وقت، وقت انتقام بود. همانند مرحله گروهی، دو تیم با تمام قدرت وارد زمین شدند و بر سر تک‌تک امتیازات جنگیدند. دو تیم ست‌ها را پشت سرهم از یک‌دیگر گرفتند تا این که بازی به ست پنجم کشیده شد. شریفی‌ها که هیچ‌وقت کار را ناتمام رها نمی‌کنند، ست پنجم را با تمام توان مبارزه کردند و در نهایت حریف را ۱۵ بر ۱۲ به زانو آوردند. بدین ترتیب تیم شایسته و پرتلاش «شریف» بر سکوی سومی مسابقات ایستاد.

این مسابقات هر ۲ سال یک‌بار برگزار می‌شوند و تیم‌های اول و دوم، و در سال‌های اخیر همچنین تیم سوم، جواز شرکت در مسابقات المپیاد دانشجویی را کسب می‌کنند. مسابقاتی که قرار بود تابستان ۹۹ به میزبانی شهر رشت انجام پذیرد ولی به‌خاطر فراگیری ویروس کرونا فعلاً لغو گردیده‌است.

ما نیز به‌نوبه خود، کسب این مقام را به تیم غیور والیبالی و تمام اعضای دانشگاه صنعتی شریف تبریک گفته و برای این خانواده آرزوی موفقیت در تمام زمینه‌ها داریم.

می‌دانستند که برای صعود باید بقیه تیم‌ها را از دور خارج کنند.

بازی سوم را والیبالیست‌های شریفی بدون کوچک‌ترین رحمی، ۳ بر صفر از دانشگاه «علامه طباطبائی» بردند تا آماده مقابل با دانشگاه «خواجه‌نصیر» و نبرد بر سر صعود به نیمه‌نهایی شوند. بازی‌های دوستانه صورت گرفته با «خواجه‌نصیر»، نوید از یک برد ۳ بر صفر دیگر می‌داد؛ اما قانون نانوشته‌ای که همیشه در ورزش وجود دارد آن است که نباید حریف را هرچند ضعیف باشد دست‌کم گرفت. همان‌طور که می‌توان حدس زد، غفلت لحظه‌ای بازیکنان موجب از دست رفتن دو دست متوالی و ۲ بر صفر شدن بازی شد. اما چیزی که تیم «خواجه‌نصیر» تصورش را هم نمی‌کرد، بازگشت روحیه جنگنده شریفی‌ها بود. آری، بچه‌های ما در آستانه شکست، ورق را برگرداندند و بازی ۲ بر صفر باخته را به برد شیرین ۳ بر ۲ تبدیل کردند.

صعود تیم ما با رتبه دوم به نیمه‌نهایی موجب شد طبق قانون بازی ضربدری، با تیم قدرت‌مند و پرمهره دانشگاه «تهران» مواجه شویم و شاهد فینالی زود هنگام اما جذاب و پرهیجان باشیم. همان‌طور که همگی تا این‌جا متوجه شدید، شریفی‌ها از اسامی بزرگ نمی‌ترسند و در دو دست اول، یک بازی به‌شدت نزدیک را به نمایش گذاشتند به‌طوری که دست اول ۲۷ بر ۲۵ به نفع «تهران» و دست دوم ۲۸ بر ۲۶ به سود «شریف» به پایان رسید. اما همان‌گونه که همواره تاریخچه ورزش اذعان دارد، داشتن تیم ذخیره قوی و کارآمد روی نیمکت در بازی‌های پایاپای و نزدیک

این گزارش به نقل از «علیرضا

اخلاقی فرد»، دانشجوی ورودی ۹۶

مهندسی نفت است.



نوزدهم بهمن‌ماه، قبل از همه‌گیری ویروس کرونا بود که مسابقات والیبالی قهرمانی منطقه ۱ ورزشی دانشگاه‌ها به میزبانی دانشگاه «علم و صنعت» آغاز شد. تیم قدرت‌مند و سرشار از انرژی ما، متشکل از اشکان عبدشاهی (۱)، علیرضا اخلاقی فرد (۲)، امیدرضا حیدری تفرشی (۳)، حسین خدابخشی (۴)، محمدحسین ناصحی (۵)، امیر سویری (۶)، سهیل حسین‌زاده (۷)، جلال عبداللهی (۸)، نیما محمودزاده وزیری (۹)، مجتبی مدنیان دینان (۱۰)، نعمان کریمی اینچه‌برون (۱۱)، علیرضا کلایی (۱۲) - که با شماره در تصویر قابل تشخیص هستند - و به مربی‌گری آقای «رحمت‌الله نوری»، سرپرستی آقای «داریوش خدامرادی» و همراهی آقای «حجت خوشی» پا به این مسابقات گذاشت. روز شروع مسابقات که مصادف بود با شنبه نوزدهم بهمن‌ماه، با استراحت تیم «شریف» شروع شد. سروقامتان دانشگاه ما اما یک‌شنبه را طوفانی آغاز کردند و با برد ۳ بر صفر مقابل دانشگاه «امام حسین (ع)» خط‌ونشان محکمی برای سایر تیم‌ها کشیدند. بچه‌های ما روز دوشنبه با تمام قدرت به مصاف دانشگاه «شهید بهشتی» رفتند و در حالی که نزدیک به بردن دست چهارم و کشیدن بازی به دست پنجم بودند، نعمان - پشت‌خط‌زن تیم - مصدوم شد و علی‌رغم بازی عالی بچه‌ها، دست چهارم، ۲۸ بر ۲۶، و مسابقه با نتیجه ۳ بر ۱ به نفع «شهید بهشتی» به پایان رسید. بعد از این شکست، دیگر جای باختی وجود نداشت و بچه‌ها





نقشه پرهادی
مهندسی شیمی ۹۷



نشریه دکوپاژ

ورزش از دریچه سینما

پیوند عمیق میان سینما و ورزش را می‌توان از تعدد آثار ژانر ورزشی که بسیاری از آن‌ها را در میان فهرست بهترین آثار سینمایی می‌بینیم و همچنین محبوبیت این‌گونه فیلم‌ها میان طرفداران هر دو، دریافت. بحث و اختلافات بسیاری پیرامون برترین فیلم‌های ورزشی، موجود است و قطعاً هیچ دسته‌بندی و فهرستی نمی‌تواند همه بهترین‌های این ژانر را پوشش دهد.

آثار قوی در این سبک به قدری زیاد است که انتخاب یک فهرست ده‌تایی از برترین‌های آن، تقریباً ناشدنی است و بیشتر به سلیقه نویسنده برمی‌گردد. لذا در این مقاله سعی شده‌است تا حد امکان از میان آثار تحسین‌شده و محبوب‌ترین‌ها -البته با حفظ تنوع- به معرفی ده فیلم در این ژانر بپردازیم. این فهرست در دو شماره تقدیم خواهد شد و در این شماره، فیلم‌های تولیدشده پس از سال ۲۰۱۰ را معرفی می‌کنیم.



Warrior
2011



Moneyball
2011



The Fighter
2010



I, Tonya
2017

درام ورزشی دیگری براساس زندگی‌نامه یک بوکسور آمریکایی به نام «میکي وارد» با بازی «مارک والبرگ»، تنش‌های میان او و برادر بزرگ‌ترش، «دیکی» با بازی «کریستین بیل» و تلاش میکي برای خارج‌شدن از زیر سایه برادر بوکسور مشهورش است. از مشت‌زن به‌عنوان یکی از برترین نقش‌آفرینی‌های بیل یاد می‌شود که برای آن، موفق به دریافت جایزه اسکار و گلدن گلوب بهترین بازیگر مکمل مرد شده‌است. مشت‌زن، فیلمی جذاب برای طرفداران پرشمار بوکس است که تیم قوی بازیگری و کارگردانی خوب «دیوید او راسل»، به یک اقتباس خوب سینمایی تبدیل شد و توانست نمره ۷.۸ در IMDB و ۷۹ را در متاکریتیک به‌دست آورد.

«بیلی بین» مدیر ناموفق تیم بیسبال «اوکلند اتلتیک» است که اگرچه بیسبال را با علاقه انتخاب نکرده‌است اما تصمیم می‌گیرد که تیمش را با بودجه‌ای محدود اما به‌کمک یک آنالیزور و محاسبات کامپیوتری، نجات دهد. «برد پیت» در نقش بیلی و «رایین رایت» و «جونا هیل»، ستارگان مانیبال هستند که بر اساس کتابی به همین نام، اثر «مایکل لوئیس» ساخته شده‌است. مانیبال در ۶ بخش از جمله بهترین فیلم نامزد اسکار شد و از جانب بنیاد فیلم آمریکا به‌عنوان بهترین فیلم سال شناخته شد. امتیاز ۷.۶ در IMDB و ۸۷ در سایت متاکریتیک نیز نشان از مقبولیت فیلم در میان سینمادوستان و منتقدان دارد.

«تام هاردی» در نقش سرباز ارتشی که تازه به خانه برگشته‌است و حالا به جای دشمن، باید در رینگ مقابل برادرش بایستد که هر دو در زمینه هنرهای رزمی ترکیبی مهارت دارند. یکی از دلایل محبوبیت مبارز، تمرکز بیشتر بر بخش درام داستان است که باعث می‌شود مخاطب، بیشتر با فیلم ارتباط برقرار کند. هرچند فیلم در فصل جوایز، اقبالی نداشت اما اکنون با امتیاز ۸.۲، رتبه ۱۶۰ را در لیست ۲۵۰ فیلم برتر IMDB داراست و از منتقدان متاکریتیک، نمره ۸۳ از ۱۰۰ را کسب کرده‌است. «گاوین اوکانر»، کارگردان فیلم، امسال نیز درام ورزشی دیگری به نام «راه بازگشت» و با بازی «بن افلک» ساخت که پیرامون زندگی یک بسکتبالیست سابق است که حالا فرصتی برای بازگشت به دنیای ورزش از طریق مربی‌گری پیدا کرده‌است.

این فیلم، داستان زندگی «تونیا هاردینگ» و رقابتش با «نانسی کریگان» در دنیای اسکیت روی یخ در دهه ۹۰ میلادی را روایت می‌کند، اما فیلم نه تبدیل به مستندی حوصله‌سربر و نه یک کمدی لوس و بی‌معنی می‌شود؛ بلکه یک کمدی سیاه از مشکلات دوران کودکی تونیا با مادرش و دوران ازدواجش با همسرش است و روایت را از زبان همه افراد درگیر در داستان تونیا می‌گوید و سعی نمی‌کند که حقیقت را تغییر دهد یا از تونیا، اسطوره‌ای به دور از واقعیت بسازد. تیم بازیگری فیلم هم با حضور «مارگو رابی» به‌عنوان نقش اول و درخشش «سباستین استان» و «آلیسون جنی» در نقش همسر و مادر تونیا به‌خوبی عمل کرده‌اند و از عوامل موفقیت فیلم بوده‌اند، به‌گونه‌ای که جنی، اسکار نقش مکمل را برای این فیلم دریافت کرد.

دبیران واحدها

فوتبال داخلی: علی عمومی

بسکتبال: علی ضیغمی‌نژاد

گیشه المپیک: کیمیا جوراچی

آن سوی مرزها: علیرضا حبیبی

پرونده ویژه: مرتضی شاکر آرانی

ورزش و شریف: مجید طاهرخانی

صاحب امتیاز:

سید محمدحسین قاسمی

مدیرمسئول: مهدی حقیقت‌جو

سرمدیر: محمد توفیقی زواره

معاون سردبیر: شروین دخت ارشد

صفحه‌آرا:

علی بالاپور

سرپرست ویراستاری:

حامد حاتمی

ارتباط با ما

@sharifharekat

@harekat.sharif

@sharifharekat

harekat.sharif@gmail.com